قدس زندگی

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۹ | ۲۵ شعبان ۱۴۴۱ | ۱۹ آوریل ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۲۲۴ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگو با مهدی فرجی، تهیه‌کننده سریال «نون.خ»

پرداختن به قومیت‌های ایرانی، وظیفه فرهنگی ماست

۱۲

کاسبان کرونایی فوتبال در قرنطینه جولان می‌دهند

پیشنهادهای فضایی برای ستاره‌های بر زمین مانده

۱۰

طرح: کیهان ورزشی

۱۰ ۱۱

ورزش

پس از موفقیت استقلال با استراماچونی تلاش دشمنان شروع شد

حسینی: رحمتی الگوی من بود

خاطره بازی با مهدوی کیا

از قرارداد ۲ میلیونی تا گل به چین و آمریکا

بشار: آخر فصل از پرسپولیس می‌روم

جدایی «رسن» از سرخ‌ها

یادداشت‌های چرخدار

annotation@qudsonline.ir
عباسعلی سپاهی یونسی

خدا را شکر بالاخره...

یک سالی بود می‌خواستم دوچرخه‌ام را عوض کنم اما نشد، تا یکی دو هفته قبل که بالاخره شرایط عوض کردن دوچرخه تا حدودی فراهم شد. هم در سایت‌های مربوط به دوچرخه و دوچرخه‌سواری جست‌وجو کردم و هم از چند نفر وارد به دوچرخه راهنمایی گرفتم و سرانجام، دوچرخه مورد نظرم را انتخاب کردم. حالا باید دوچرخه را می‌خریدم برای همین، در مشهد به چند جا که به طور حرفه‌ای در این کار بودند و حدس می‌زدم دوچرخه مورد نظرم را باید داشته باشند، سر زدم اما نداشتند. دست به دامان فضای مجازی شدم و با یکی از دوچرخه‌فروشی‌های معتبر در تهران، در استان مرکزی و... تماس گرفتم، اما گفتند در حال حاضر دوچرخه را ندارند.

گمان نکنید دوچرخه خیلی خاص و عجیب یا تازه به بازار آمده‌ای را انتخاب کرده بودم. برعکس مدل سال ۲۰۱۸ بود اما نمی‌دانم چرا کیمیا شده بود؟

آن قدر از دوستان دوچرخه‌سوار پرس‌وجو کردم تا بالاخره دوچرخه مورد نظر در فروشگاهی در تبریز پیدا شد و فروشنده پیام زد که «دوچرخه موجود است». قیمتش البته ۳۰۰ هزار تومان بالاتر از قیمتی بود که از اینجا و آنجا گرفته بودم. با خودم فکر کردم اگر چند روزی صبر کنم باید دوچرخه را با قیمت بیشتری بخرم! برای همین همان روز پول را برای فروشنده کارت به کارت کردم تا زودتر به دوچرخه‌ام برسم.

پس از سفارش و البته در این چند روزی که به دنبال دوچرخه برای سفارش بودم و پیدا نمی‌شد، با خودم فکر کردم: خدا را شکر که من به دنبال وسیله‌ای هستم که هم برای خودم مفید است و هم برای این شهر و بقیه مردم، آن وقت این همه باید سختی بکشم تا بتوانم آن را فراهم کنم. شاید اصلاً مقایسه درستی نباشد اما برخی‌ها می‌گویند اگر کسی به دنبال هر گونه مواد مخدری باشد، در کمتر از ۱۰ دقیقه می‌تواند آن را پیدا کند و آن وقت من برای تهیه یک دوچرخه... بگذریم.

مهم این است که گفته‌اند عاقبت جوینده یابنده است و من یافته بودم. خوشحال بودم خریدم به اردیبهشت نیفتاده بود تا طبق قانون نانوشته که هر سال باید قیمت‌ها بالا برود، مجبور بشوم خرید گران‌تری انجام دهم.

روزمره نگاری

این شالیزار، شالیکار ندارد

رقیه توسلی: «به تعدادی نشاگر جهت کار بیست روزه، با مُزدِ عُرف نیازمندیم. کارگر، زن و مردش فرقی نمی‌کند. دستمزد هم هر سه روز تسویه می‌شود همراه با صبحانه و ناهار و عصرانه... جهت هماهنگی تماس بگیرید».

آگهی را چندبار مرور می‌کنم. نمی‌توانم جلو تعجبم را بگیرم. با دیدن نام خانوادگی و شماره آشنا، بی قرار می‌شوم.

«سارا» با فرستادن پیام مذکور، صبحم را قشنگ شخم می‌زند. تأکید هم دارد این آگهی، بنر شده توی کل روستا که بیشتر خراب شود حالم. «بابا عبدالله» را می‌گیرم. به زنگ دوم نرسیده جواب می‌دهد. مفصل حرف می‌زنیم با هم.

می‌گوید: دخترم! از اوستاکریم که پنهان نیست از شما چه پنهان، هفته‌ای می‌شود به هر که رو زده‌ام و خبر نشای زمین را داده‌ام، یک‌طور گرفتار است... همسایه، عمه زاده، پسرعمو، همولایتی... جای گلایه نیست... بندگان خدا هر کدامشان یک‌جور پابند شده‌اند... یکی دیابت دارد، چندتایی‌شان متأسفانه توی بیمارستان بستری شده‌اند، قلبی‌ها هم بهشان اضافه کن و آن‌هایی که کلاً قید کار امسال را زده‌اند... ویروس، بد آب ریخته توی کاروبارمان... اما غصه و نچ نچ ندارد، ان‌شاءالله خیر است... به‌قول خدابیامرز خانجان، ما صاحب داریم، ناامید شدن گناه است. توکل می‌کنیم.

تلفن را که قطع می‌کنم دیگر حالم بد نیست. نگرانی و دلشوره‌های قبلِ گپ، یکجا چلانده شده‌اند. شکل پیراهن شسته‌ای که دو نفر با هم می‌چلانندش.

باید دست «باباعبدالله» را بگیریم. نباید هکتارها مزرعه برنج رها شود به حال خودش. شک ندارم خانجان دارد رصدمان می‌کند.

با همراهی ساراجان می‌جنبیم و توی صفحه مجازی نیازمندی‌ها، درخواست ماشین نشا می‌دهیم و می‌رویم توی نوبت. البته برای نصف هکتارها. برای الباقی‌اش هم آگهی کارگر فوری می‌گذاریم توی اپ.

راست می‌گویند که جوینده، می‌یابد. حالا اگرچه دیر و اگرچه سخت.

بهارنوشت: شمالی اگر باشی می‌دانی نمی‌شود روی مرزها راه نرفت و زمین آب تخت شده را دید و حظش را نبرد. نمی‌شود عاشق مزرعه کاشته و نکاشته نبود. نمی‌شود پاگیر برنجزار نشد. از سبز تا طلایی‌اش. هی این سرزمین را بو نکشید. سلام نداد به آن‌ها که یک عمر، اهل روزی حلال و عرق جبین بوده‌اند و به مزارعی که خدایشان بزرگ است.

آگهی: یادِ پار و پیرار می‌افتم. یاد آن‌وقت‌ها که کرونا، فرمانروا و یکه تاز نبود و از ته دل دعا می‌کنم کاش به همین زودی‌ها کسی خبر رفتن این ویروس را روی تن شهر آگهی کند.

چرا ساخت واکسن «کرونا» به این زودی‌ها به سرانجام نمی‌رسد؟

دردسرهای یک ویروسِ جهنده

محمد تربت‌زاده | شاید آن روزهایی که برای نخستین بار اخباری از شیوع بیماری به نام «کرونا» در چین در فضای مجازی دست به دست می‌شد، فکرش را هم نمی‌کردیم این ویروس در عرض کمتر از سه ماه، تمام جهان را آلوده کند. لابد به همین خاطر بود که چپ و راست درباره شیوع این ویروس ناشناخته در چین جوک می‌ساختیم. «کرونا» اما در مدت کوتاهی چندین میلیون نفر را در جهان مبتلا کرد و چندین هزار نفر را هم به کام مرگ کشاند تا ثابت کند اصلاً با کسی شوخی ندارد! حالا که حدود دو ماه از خانه‌نشین شدن خیلی‌هایمان به‌خاطر انتشار این ویروس در جهان می‌گذرد، ساخت واکسنی برای مقابله با کووید۱۹، تبدیل به بزرگ‌ترین دغدغه این روزهایمان شده است. باوجود تلاش‌های دانشمندان در گوشه و کنار دنیا اما هنوز خبری از واکسن این بیماری نیست. اما اگر برایتان سؤال شده که با وجود پیشرفت‌های علمی جهان، چرا دانشمندان تاکنون نتوانسته‌اند به واکسن این بیماری دست پیدا کنند، ادامه مطلب را بخوانید.

جهش؛ مسئله این است

پاسخ به این پرسش که چرا واکسن کرونا ساخته نمی‌شود، فقط یک جمله است! دانشمندانی که تا امروز بر ساخت ویروس کرونا تمرکز کرده‌اند، به طور مشترک به این باور رسیده‌اند که مهم‌ترین دلیل به نتیجه نرسیدن تلاش‌هایشان تاکنون، عدم شناخت درست از «نحوه جهش» این ویروس است.

حالا از آنجایی که ویروس‌ها و جهش‌هایشان برای ما مردم عادی کمی تا قسمتی پیچیده و غیرقابل درک است، نشریه نیویورک تایمز با انتشار گزارشی درباره نحوه جهش ویروس‌ها و فرایند کلی ساخت واکسنِ یک ویروس، سعی کرده به زبان ساده برای مردم توضیح دهد که چرا نمی‌شود حالا حالاها به واکسن کرونا دست پیدا کرد؟

بدبینانه و خوشبینانه

بر اساس تصور عامیانه، «کرونا» نام یک بیماری است و ویروسی که موجب ایجاد کرونا می‌شود، با خودِ کرونا تفاوت دارد! پژوهشگران نام ویروسی که بیماری «کرونا» را ایجاد می‌کند، SARS-CoV2 گذاشته‌اند. ویروسی که تا امروز اطلاعات به درد بخور زیادی از نحوه عملکردش در دست بشر نیست و هنوز بسیاری از رفتارهایش غیرقابل پیش‌بینی است. حالا جدا از سایر محدودیت‌های ناشی از کمبود اطلاعات علمی درباره این ویروس، تولید واکسن برای این بیماری تا حد زیادی به نحوه جهش ویروس SARS-CoV2 مرتبط است. آن‌طور که فرارو به نقل از نیویورک تایمز نوشته، بدون شناخت نحوه جهش این ویروس، ساخت واکسن برای مبارزه با آن، تقریباً غیرممکن خواهد بود. با توجه به این شرایط، می‌توان گفت هنوز اطلاعات دانشمندان درباره نحوه جهش ویروس SARS-CoV2 کامل نیست و یا حداقل اطلاعات آن تاکنون به صورت عمومی منتشر نشده است. با وجود این، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که دو فرضیه در مورد بیماری کرونا مطرح است. هرچند فرضیه شماره دو تاحدودی خطرناک است و دانشمندان را از ساخت واکسن کرونا تقریباً ناامید می‌کند، اما فرضیه شماره یک، خوشبینانه است و ساخت واکسنی برای کنترل این ویروس را در آینده نه چندان دور نوید می‌دهد. پس اجازه بدهید اول فرضیه شماره یک را مطرح کنیم!

اگر کرونا جهش نکند

مانند همه ویروس‌ها، SARS-CoV2 هم با انتقال از فردی به فرد دیگر در حال «جهش» است. برخلاف تصورمان اما قرار نیست با هر جهش، ویروس از این رو به آن رو شود و در بیشتر موارد، «جهش» فقط تغییر در کد ژنتیکی ویروس است و بیشتر جهش‌ها واقعاً عملکرد ویروس را تغییر نمی‌دهند. برای آنکه ماجرا کمی قابل درک‌تر شود، باید گفت ویروس‌ها به طور کلی عملکرد یکسانی دارند؛ یعنی تمام ویروس‌ها پس از ورود به بدن شما، این مسیر را طی می‌کنند: ورود به سلول، ربودن مکانیزم سلول و استفاده از آن برای تهیه نسخه‌های زیادی از خودشان. بعضی اوقات در جریان این تکرار تولید نسخه‌های متعدد، تغییرات کوچک-یا جهش‌هایی- در ویروس رخ می‌دهد که این تغییرات با گذشت زمان جمع می‌شوند و تغییرات یا جهش‌های بزرگ را می‌سازند و در حالی که از سلولی به سلول دیگر و از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شوند، پیشرفت هم می‌کنند.

این وسط واکسن‌ها ویروس را در مسیرهای خود متوقف می‌کنند، اما این تنها در صورتی خواهد بود که ویروس در برابر این حمله‌ها تغییری نکند. باز هم اگر قرار باشد کمی واضح‌تر بگوییم، واکسن‌ها در واقع با وادار کردن بدن به تولید «آنتی بادی» -که با روشی بسیار خاص، مانع اتصال ویروس به سلول می‌شود- عملکرد ویروس‌ها را خنثی می‌کنند. البته بازهم به شرطی که ویروس جهش معناداری که ماهیتش را عوض کند، انجام ندهد.

دانشمندان می‌گویند اگر ویروس کووید۱۹ جزو این دسته از ویروس‌ها باشد، ساختن واکسنی برای غلبه بر آن به‌زودی محقق خواهد شد و واکسن ساخته شده ضد آن می‌تواند برای سال‌ها و حتی ده‌ها سال مورد استفاده قرار گیرد بدون اینکه نیازی به تغییر واکسن وجود داشته باشد.

۱۱ جهش

احتمالاً تا الان حدس زده‌اید که فرضیه شماره دو، ویروس کرونا را یک ویروس جهنده در نظر می‌گیرد که دائم درحال تغییر و تحول است.

در این فرضیه باید در نظر داشته باشیم که اگر SARS-CoV2 به شکلی جهش یابد که از اتصال آنتی‌بادی یا همان روشی که ویروس را از سلول جدا می‌کند، جلوگیری کند، می‌تواند تولید یک واکسن پایدار و جهانی را دشوار و کمی غیرممکن کند. به این خاطر که بدن شما پس از دریافت واکسن یاد می‌گیرد پروتئین‌های سطح را در برابر ویروس مورد نظر شناسایی کند. اما وقتی ویروس در برابر این اقدام شروع به جهش کند تا بتواند به فعالیت خود ادامه دهد، گونه جدیدی را پدید خواهد آورد که سیستم ایمنی بدن و آنتی بادی‌ها قادر به شناسایی آن نیستند.

به زبان ساده‌تر، آنتی بادی‌های تولید شده توسط واکسن روی یک گونه ویروس عمل می‌کنند، اما نمی‌توانند به گونه جدید وصل شوند و این فرایند واکسن را ناکارآمد می‌کند. درست مثل اتفاقی که در مورد آنفلوانزا رخ می‌دهد. دانشمندانی که سال‌های روی آنفلوانزا کار کرده‌اند، تاکنون نتوانسته‌اند واکسنی دائمی برای آن بسازند و بر اساس آمارهای جهانی، سالانه چندین هزار نفر و یا حتی بیش از چند میلیون نفر بر اثر ابتلا به انواع جهش یافته آنفلوانزا که بسیاری از آن‌ها ناشناخته‌اند، جانشان را از دست می‌دهند.

بر اساس آخرین اطلاعات تأیید شده جهانی، تاکنون ۱۱ جهش در ویروس کرونا دیده شده که فقط یکی از جهش‌ها پرتکرار بوده است، اما این جهش هم تغییرات اندکی روی ویروس گذاشته که نمی‌تواند به طور کامل از SARS-CoV2 یک ویروسِ متمایل به جهش بسازد. اما پژوهشگران می‌گویند اطلاعاتشان آن‌قدر از این ویروس ناچیز است که نمی‌توانند حتی به گفته‌های حال حاضر خودشان در مورد جهش‌ها هم اعتماد کامل داشته باشند. پس شاید بهتر باشد در این شرایط، دلمان را به اخبار غیرمعتبر از ساخت واکسن کرونا خوش نکنیم و همچنان مثل گذشته، بهداشت شخصی‌مان را رعایت کرده و فعالیت‌های خارج از خانه را تا حد ممکن کاهش دهیم و منتظر اخبار معتبر از منابع رسمی بمانیم.

روایت مجازی

روایت اول / چرا حالا؟

ممکن است شما هم از آن‌هایی باشید که آماردهی هر روزه سخنگوی وزارت بهداشت دلتان را زده باشد! به‌خصوص اینکه تعداد ابتلا و فوت‌شدگان ناشی از کرونا در این آمارها دارد هر روزه کم می‌شود. ممکن است شما هم از جمله کسانی باشید که این آمار و درست و غلطش را با دیده تردید نگاه می‌کنید. ما خیلی کاری به اثبات درست یا غلط بودن این آمار نداریم، اما شما بگویید چرا پس از مدتی که شایعه‌های کرونایی در کشورمان فروکش کرده بودند، حالا و با کاهشی شدن آمار ابتلا و مرگ و میر، یکباره دوباره اوج گرفته‌اند؟

نمونه‌اش ویدئویی که چند روزی است دارد در فضای مجازی دست به دست می‌شود و مدعی است اجساد تلنبار شده، مربوط به بیمارستانی در تهران است که مسئولان اجازه انتشار آن را نمی‌دهند. البته اگر کسی ابزار و نرم‌افزار مخصوص را داشته باشد در دورِ کُند فیلم نوشته‌های انگلیسی روی کیسه‌های حاوی اجساد و همچنین نام متوفی را ببیند، مشخص می‌شود فیلم مربوط به ایران نیست.

روایت دوم / حاصل ضرب اهمیت در ابهام!

این روایت هم که خبرگزاری‌ها آن را منتشر کردند، مربوط به شایعه است. اینکه شما بدانید شایعه چطور پراکنده و منتشر می‌شود و چطور از کار می‌افتد خیلی مهم است، لطفاً بخوانید: «اگر بخواهیم فرمولی برای شایعه بنویسیم، می‌شود حاصل ضرب اهمیت در ابهام! اگر موضوعی مهم نباشد، هر قدر هم ضریب ابهام بگیرد و مبهم‌تر شود، شایعه‌ها درباره آن چندان موج‌انداز و با قابلیت پراکندگی فراوان نخواهند بود.

همچنین اگر پدیده‌ای اهمیت فراوان داشته باشد اما ابهام پیرامون آن، بسیار نباشد باز هم فرمول شایعه به کار نمی‌افتد.

پس اگر بخواهیم از حجم شایعه بکاهیم یا باید نشان دهیم موضوع اهمیت زیادی ندارد یا از ابهام بکاهیم و شفاف‌سازی کنیم.

در مورد خاص شیوع ویروس کرونا که با جان و سلامت انسان‌ها سروکار دارد و جهان را درگیر خود ساخته، نه تنها از اهمیت آن نمی‌توان کاست که به عکس از درجه اهمیت و حساسیت بسیار بالایی برخوردار است.

در نتیجه هر چه از ابهام‌ها کاسته شود، این فرمول بیشتر کارایی خود را از دست می‌دهد. مخاطبان هم باید بدانند که خبر، یک کالاست و این کالا را از هر جا نمی‌توان تأمین کرد و کافی است همان گونه که دارو را از هر جا تهیه نمی‌کنیم و در قبال سلامت خوراک خود حساسیم، هر شایعه را خبر صحیح نپنداریم و راستی آزمایی کنیم».

روایت سوم / قرنطینه ملک سلمان

راست و دروغش را باید از کاریکاتوریست معروف «مازیار بیژنی» پرسید. در روزگار کرونایی، مسئولان و رئیسان کشورهای مختلف برای در امان ماندن، قرنطینه‌های خاص خودشان را دارند. مازیار بیژنی این بار نه با کاریکاتور بلکه با انتشار یک توییت، تصویر محل قرنطینه «ملک سلمان» شاه عربستان را لو داده و نوشته: «ملک سلمان ۸۴ ساله برای مصون نگه داشتن خود به کاخی جزیره‌ای در دریای سرخ رفته است...».

۳ خارجی که می توانند پنجره استقلال را ببندند

ورزش: ویندفرد شفر، بوبان و مارتین فورکل، مربی بدنساز فعل گذشته استقلال سه نفری هستند که موعد پرداخت مطالباتشان گذشته و باشگاه هنوز پولی به آن‌ها پرداخت نکرده است. این سه نفر در صورتی که کمیته انضباطی فیفا را در جریان بگذارند که هنوز پولشان را دریافت نکرده اند می توانند استقلال را دو پنجره نقل و انتقالاتی محروم کنند. در این بین شفر به مدیران استقلال فرصت مذاکره داده است اما از بین فورکل و بوبان هر کدام کمیته انضباطی فیفا را در جریان پرداخت نشدن مطالبه‌شان قرار بدهند دو پنجره نقل و انتقالاتی آبی‌ها سته خواهند شد.

شوله به دور تموند برمی گردد

ورزش: بیلد نوشت: آندره شوله پس از چند فصلی که برای چلسی به میدان رفت در بازگشت به بوندس لیگا راهی بوروسیا دورتموند شد. شوله در فصل جاری به صورت قرضی در لیگ روسیه و برای اسپارتاک مسکو به میدان رفت. تیم روسیه‌ای با وجود عملکرد خوب شوله حاضر نیست که قرارداد او را تمدید کند و او مجبور است که با توجه به قراردادی که با دورتموند دارد به این تیم برگردد. شوله تا سال ۲۰۲۱ با بوروسیا دورتموند قرارداد دارد و باید دید که آیا دوباره راهی این تیم می شود یا به صورت قرضی به تیم دیگری می‌رود.

ویدال اینتری می‌شود؟

ورزش: موندو دپورتیوو می گوید بارسلونا برای جذب لاوتارو مارتینز بند آزادسازی ۱۱۱ میلیون یورویی او را فعال نکرده بلکه چند بازیکن خود را به اینتر پیشنهاد می دهد اما اگر بازیکنان پیشنهادی بارسا در حد فلیپ کوتینو باشند ممکن است اینتر به این معاوضه راضی شود. ارتورو ویدال یکی از ستاره‌هایی است که موندوی گوید احتمالا مورد پسند اینتر قرار خواهد گرفت. آرتور مولودیگر بازیکن بارسلونا که با اینتری‌ها به وعلاقه‌مند هستند. اما موندو می گوید بارسا تمایلی به پیشنهاد او نخواهد داشت و احتمالا کارلس آلینا و مارک کوجورلا را به تیم ایتالیایی پیشنهاد خواهد داد.

راسل: زندانی شدم چون رئیس بارسلونا بودم

ورزش: سالدو راسل بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ژانویه ۲۰۱۲ ریاست باشگاه بارسلونا را برعهده داشت و او اتهام یوشویی و فساد مالی ۴۳۴ روز در زندان بودولی توانست خود از تمامی اتهامات تبرئه کند و یک سال پیش آزاد شد. نام او به خصوص در انتقال جنجالی نیمار از سانتوس به بارسلونا مطرح شد. راسل در مصاحبه با موندودیپورتیوو گفت: «اگر رئیس بارسلونا نبودم، زندانی نمی شدم. در این هیچ تردیدی ندارم. هیچ فعالیت تجاری من زیر سوال نبود. حتی یک مورد مالیاتی هم نداشتم. قبل از اینکه رئیس بارسلونا شوم، حتی یک تحقیق مالیاتی از من نشده بود فکر می کنید همه این‌ها تصادفی باشد؟»

یادداشت

سیما حسینی
annotation@qudsonline.ir

ملاقات‌ها کی تمام می‌شود؟

در شرایطی که هواداران باشگاه استقلال در انتظار معرفی رسمی تیم اجرایی احمد سعادتمند مدیرعامل جدید باشگاه استقلال هستند؛ هنوز این اتفاق رخ نداده اما به جای آن ملاقات‌های پرشمار مدیرعامل باشگاه با چهره‌های ورزشی و غیر ورزشی ادامه دارد تا این پرسش برای علاقه مندان به باشگاه استقلال به وجود آید که اولویت‌های مدیرعامل بر چه اساس تعیین شده است؟

ملاقات با پیشکسوتان و بازیکنان سال‌های دور و نزدیک استقلال اتفاق مطلوبی بود که این امیدواری را برای هواداران به وجود آورد که مدیرعامل استقلال با مشاوره گرفتن از پیشکسوتان شناخت بیشتری نسبت به مشکلات باشگاه پیدا کند.

مذاکره با برخی چهره‌های اقتصادی هم نکته امیدوار کننده‌ای در جریان اقدامات سعادتمند بود البته در این میان حضور برخی افراد شهرت طلب انتقادآمیز را برای وی به دنبال داشت و ویژه که برخی رسانه‌ها اسنادی را منتشر کردند که نشان می‌داد برخی مدعیان اسپانسری باشگاه استقلال برخلاف ادعاهای پر طمطراق خود سرمایه‌ای برای کمک به این باشگاه ندارند و بیشتر به دنبال کسب شهرت از کنار نام استقلال هستند.

اما نکته قابل تأمل دیگر در ارتباط با ملاقات‌های سعادتمند، دیدار او با بازیگران تلویزیونی استقلالی است. در اینکه مدیرعامل باشگاه باید با همه طیف‌های جامعه در ارتباط باشد شکی نیست اما در برهه کنونی ملاقات با هنرمندان استقلالی در اولویت نیست، بلکه هواداران منتظر معرفی تیم اجرایی باشگاه هستند؛ کسانی که قرار است در کنار سعادتمند در بستگی‌های اجرایی فعالیت کنند تا استقلال از وضعیت کنونی خارج شود.

بنابراین به نظر می‌رسد به جای ملاقات‌های پرشمار وقت آن فرا رسیده مدیرعامل باشگاه بدون فوت وقت سرنوشت حامیان مالی را مشخص کند تا هواداران بیش از این با دغدغه و کابوس شکایت و اعتراض بازیکن و مربی مواجه نشوند.

آقای مدیرعامل فراموش نکنید خیلی زود دیر می‌شود!

ضد حمله

استقلالی‌ها همچنان منتظر پاسخ فیفا

ورزش: باشگاه استقلال چند پرونده شکایت در فیفا دارد که حکمشان قطعی شده است.

مسئولان استقلال پیش از سال جدید در نامه‌ای به فیفا خواستار پرداخت طلب سه وکیل خارجی خود، سرور چیاروف، گادوین منشا و مارتین فورکل از محل درآمدهای خود در فیفا بودند. باشگاه استقلال ۳۴۰ هزار دلار در فیفا دارد، اما هنوز یک ماه است که فیفا پاسخی به مسئولان استقلال نداده است که البته یکی از دلایل آن تعطیلی فیفا به دلیل شیوع ویروس کروناست. از طرفی، باشگاه استقلال در روزهای ابتدایی اردیبهشت ماه فرصت دارد برای فرار از محرومیت طلب افراد ذکر شده را پرداخت کند.

ایران در رقابت‌های غرب آسیا شرکت نمی‌کند

ورزش: سایت استاد الدوحه اسامی تیم‌های شرکت کننده در رقابت‌های فوتبال غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ را اعلام کرد که در بین آن‌ها نامی از ایران نیست.

رقابت‌های فوتبال غرب آسیا از سال ۲۰۰۰ آغاز شده و تاکنون ۹ دوره از این رقابت‌ها برگزار شده است و ایران هم دو بار میزبانی آن را در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ برعهده گرفته است. امارات میزبان دهمین دوره رقابت‌های غرب آسیا خواهد بود قرار است که این بازی‌ها در ژانویه ۲۰۲۱ برگزار شود. قرار است که تیم‌های اردن، عربستان، سوریه، لبنان، کویت، عراق، بحرین، عمان، قطر، امارات، فلسطین و یمن در این رقابت‌ها شرکت کنند.

هواداران پرسپولیس سوژه جدید AFC

ورزش: کنفدراسیون فوتبال آسیا در بخش استوری خود با انتشار تصویری از هواداران پرسپولیس به «قدرت هواداری» پرداخت. AFC با تیتر «قدرت هواداری» برای تصویر هواداران پرسپولیس نوشت: آن‌ها رکورد پنج بار حضور ۱۰۰ هزار نفری در لیگ قهرمانان آسیا را دارند. آن‌ها در دیدار با کاشیما آنتلرز در فینال لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۱۸ ورزشگاه آزادی را پر کردند. پرسپولیس در سال ۲۰۱۸ موفق شد برای نخستین بار در تاریخش به فینال لیگ قهرمانان آسیا برسد ولی در فینال مغلوب تیم کاشیما آنتلرز ژاپن شد و نتوانست نخستین قهرمانی آسیایی‌اش را تجربه کند.

ماجرای احضاریه دادگاه به وریا غفوری

ورزش: در روزهایی که فوتبال به دلیل شیوع ویروس کرونا تعطیل است و خبری از برگزاری تمرینات نیست مدتی است بحث احضاریه دادگاه فرهنگ و رسانه به وریا غفوری مطرح شده است.

سعید رمضانی در این باره به ورزش سه می‌گوید: راستش قبل از عید بود که چنین اتفاقی افتاد اما به خاطر شیوع ویروس کرونا این دادگاه لغو شد، پس از این اتفاق وریا غفوری به شهرستان رودبار رفت و حالا اگر لازم باشد می‌گویم برگردد تا در دادگاه شرکت کند.

او در پاسخ به این پرسش که شکایت از وریا غفوری از سوی چه کسی است هم گفت: چون احضاریه کتبی به دستمان نرسیده دقیقاً نمی‌دانم ولی فکر می‌کنم وریا به خاطر شکایت علی خطیب به دادگاه احضار شده است.

تک بازی شدن فینال لیگ برتر فوتسال منتفی شد

ورزش: کمیته فنی و توسعه فوتسال و فوتبال ساحلی هفته گذشته در جلسه‌ای پیشنهاد داد دیدار فینال لیگ برتر فوتسال با توجه به شیوع بیماری کرونا به صورت تک بازی و در تهران برگزار شود که بر همین اساس هیئت رئیسه سازمان لیگ فوتسال برای بررسی شرایط برگزاری لیگ برتر فوتسال در روزهای گذشته تشکیل جلسه داد و در این جلسه حامد نجفی مدیرعامل باشگاه مس سونگون و علی جنتی مدیرعامل باشگاه گیتی پسند اصفهان محافظت رسمی خود را با برگزاری فینال لیگ برتر فوتسال به صورت تک بازی اعلام کردند تا این موضوع از دستورعمل سازمان لیگ فوتسال خارج و به طور کلی منتفی شود.

بشار: آخر فصل از پرسپولیس می‌روم

جدایی «رسن» از سرخ‌ها

ورزش: بشار رسن هافبک عراقی تیم فوتبال پرسپولیس که از ابتدای فصل با مشکلات مالی زیادی مواجه بود، قصد ندارد در پایان فصل در جمع سرخپوشان بماند و می‌خواهد که پرسپولیس را ترک کند. پنجم بهمن‌ماه سال گذشته بین مسئولان باشگاه پرسپولیس و ایجنت علیرضا بیرانوند جلسه‌ای برگزار شد و دروازه‌بان شماره یک تیم ملی با قرارداد سه ساله به عضویت تیم آنتورپ بلژیک درآمد.

باشگاه بلژیکی متعهد شد مبلغ فسخ قرارداد بیرانوند با باشگاه پرسپولیس را در سه قسط تا آغاز تابستان ۹۹ به این باشگاه پرداخت کند. قسط اول یعنی مبلغ ۱۵۰ هزار یورو و دو، سه روز پس از عقد قرارداد مورد اشاره از سوی باشگاه بلژیکی به حساب باشگاه پرسپولیس واریز شد.

در آن مقطع عنوان شد که این پول صرف امور جاری باشگاه پرسپولیس شده در حالی که شنیدیم کل این ۱۵۰ هزار یورو به حساب بشار رسن ستاره عراقی خط میانی این تیم واریز شده است و این یعنی بشار فعلاً مشکل مالی با پرسپولیس ندارد.

به دنبال تجربه جدید

با این حال این هافبک عراقی در گفت‌وگو با الوطن گفت: هم‌اکنون با توجه به شرایط فعلی کرونا در عراق و بغداد به سر می‌برم این فصل آخرین فصل حضورم در پرسپولیس است و می‌توانم بگویم که تجربه موفقی را در این مدت پشت سر گذاشتم.

وی افزود: پرسپولیس تمایل زیادی برای تمدید قرارداد با من دارد اما قرارداد من در پایان این فصل به اتمام می‌رسد.

حالا باید ببینیم که در پایان ویروس کرونا چه اتفاقی رخ خواهد داد. من به دنبال یک تجربه جدید در سایر لیگ‌ها هستم. از چند کشور حاشیه خلیج فارس و همچنین اسپانیول اسپانیا پیشنهاد دریافت کردم و منتظر هستم ببینم چه پیش خواهد آمد.

پیشنهاد قطری‌ها

رسن در مورد پیشنهاداتی که از لیگ ستارگان قطر دریافت کرده خاطرنشان کرد: بیش از یک باشگاه برای حضور در لیگ ستارگان به من پیشنهاد داده‌اند اما شرایط فعلی کرونا همه چیز را تحت تأثیر قرار داده است اما چیزی که مشخص است این است که قرارداد من با پرسپولیس در ماه ژوئن (اواخر خرداد‌ماه) به پایان می‌رسد.

تمرین در عراق

هافبک عراقی تیم فوتبال پرسپولیس اضافه کرد: من نمی‌دانم که مسابقات به تعویق خواهد افتاد یا خیر. امیدوارم دوباره زندگی عادی مردم به روال عادی خود باز گردد. من هم در حال حاضر در عراق تمریناتم را دنبال می‌کنم تا از شرایط آماده‌گی خارج نشوم اما برای اینکه بتوانیم شرایط حضور در مسابقه را بدست آوریم حداقل به سه هفته تمرینات گروهی در زمین نیاز داریم.

رسن در خصوص بازگشتش به فوتبال عراق گفت: نیروی هوایی همیشه اولویت من است و جایگاه ویژه‌ای در قلب من دارد. وی گفت: من با پرسپولیس برابر خیلی از تیم‌های بزرگ از جمله السد در لیگ قهرمانان آسیا بازی کردم تیمی که متمرکز از بازیکنان بزرگ است. با این حال باید ببینیم که در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد.

کاسبان کرونایی فوتبال در قرنطینه جولان می‌دهند

پیشنهادهای فضایی برای ستاره‌های بر زمین مانده

سیما حسینی: شاید کمتر کسی تصور می‌کرد یک ویروس ورزش در جهان را به کما ببرد، اما این اتفاق افتاد. با تعویق بازی‌های المپیک و تعطیلی بسیاری از رویدادهای ورزشی به دلیل شیوع این ویروس مهلک و خطرناک بسیاری از ورزشکاران تصمیم گرفتند تا زمان بازگشت شرایط به حالت عادی به عنوان یک سلبریتی و چهره اجتماعی در کنار مردم قرار گیرند تا به این شکل دین خود را به هواداران‌شان ادا کنند. در ایران نیز قهرمانان و چهره‌های ورزشی بسیار زیادی به این کمپین ملحق شدند و با رفتارهای دلوطلبانه به کمک اقشار آسیب پذیر جامعه رفتند اما عده‌ای هم ترجیح دادند از شیوع کرونا نهایت استفاده شخصی را ببرند تا رقم قرارداد خود را در این فضا افزایش دهند و در فهرست کلسیل کرونا جای گیرند!

ستاره دلال‌ها

مثل همیشه با رهم ردپای دلال‌ها به شدت در این فرایند رؤیت می‌شد. البته که روزهای بی‌خبری رسانه‌ها هم به این ماجرا کمک کرد تا به شکل نابلوراتی‌ای طیف گسترده‌ای از بازیکنان یا پیشنهادهای متعددی از کشورهای دور و نزدیک مواجه شوند. در حالی که تمام باشگاه‌های حرفه‌ای جهان به دلیل شیوع این ویروس کشنده فعالیتی نداشتند اما هر روز خبری در رسانه‌های ورزشی و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شد که ستاره یکی از دو تیم مطرح پایتخت یا یک بازیکن شاغل در لیگ ایران قصد جدایی از تیم طرف قرارداد خود را دارد تا به پیشنهاد یکی از لیگ‌های کشورهای حاشیه خلیج همیشه فارس ملحق شود در حالی که پشت پرده هیچ پیشنهادی وجود نداشت و همه چیز بر اساس ستاریو تخیلی اتاق فکر دلال‌ها ساماندهی می‌شد تا به این شکل بازار گرمی صورت گیرد!

مانور مجازی

با تکرار هر روزه این اتفاق دلال‌های خارجی نیز به این فکر افتادند از فاقله عقب نمانند و این سناریوی رقبای داخلی خود را به شکل و شمایلی دیگر ادامه دهند، از این رو خبرهایی نظیر جدایی بشار رسن از پرسپولیس و جدایی شیخ دیاباته از استقلال مطرح شد. برخی لابوتوره‌های ایرانی هم که سابقه درخشانی در این حوزه داشتند با دامن زدن به این ماجرا خود را در مسیر این خبرسازی کاذب قرار دادند و با پیش کشیدن باشگاه‌های اروپایی مدعی شدند مشتریان دست به نقد اروپایی دارند اما حقیقت ماجرا این بود که این پیشنهادها هیچ یک واقعی نبود و صرفاً یک نمایش نخ نما شده در فضای مجازی بود!

تروفند رذیلانه

اما چرا و به چه دلیل این سناریو در ذهن طیف واسطه و دلال جرقه خورد، برای رسیدن به این پرسش باید یک بار دستور عمل فدراسیون جهانی فوتبال درباره شیوع ویروس کرونا را مرور کنید. در بند دوم نامه فیفا خطاب به فدراسیون‌ها و باشگاه‌های فوتبال آمده است، مدیران عامل باشگاه، مربیان و بازیکنان بهتر است بر سر موضوع مالی فصل جاری و تعلیق مسابقات به توافقی دو طرفه دست پیدا کنند تا عدالت برقرار شود و تنها یک طرف ماجرا خسارت نبیند، از آنجا که فوتبالیست‌های ایرانی و مربیان شاغل در لیگ برتر به دلیل نبود سیستم مالی قانونمند و حرفه‌ای در فوتبال ایران هیچ‌گاه حقوق کامل خود را به صورت تمام و کمال دریافت نکردند ترجیح دادند با پیش کشیدن پیشنهادهای جدید به این شکل مدیران باشگاه‌ها را تحت فشار قرار دهند که مبادا به فکر موضوع کسر قرارداد بیفتند. از طرفی با افزایش رقم قرارداد فعل بعد هم میزان خسارت احتمالی بازیکن و واسطه را به کلی از بین ببرند.

معجزه شایعه

اما حکایت دیگری هم پشت این ماجرا وجود دارد؛ برخی بازیکنان تنها برای اینکه در بین چهره‌های خبرساز قرار گیرند به کمک برخی دوستان رسانه‌ای خود شایعه پیشنهاد خارجی از سوی یک تیم غیر ایرانی را مطرح می‌کنند تا در ایام قرنطینه نامشان بر سر زبان‌ها بیفتد، در حالی که مثل همیشه آن‌ها هیچ پیشنهادی از سوی خارجی‌ها ندارند و به اصطلاح معروف سر نخواستن آن‌ها همیشه دعوا است اما با معجزه شایعه آن‌ها حتی در ایامی که فوتبال در تمام نقاط جهان تعطیل است با پیشنهادهای متعدد مواجه می‌شوند.

رویای مدیران

اما شاید این پرسش در ذهن شما نقش ببندد، که نقش بازار دادنه مدیریت در این میان چیست؟ متأسفانه مدیران فوتبال ایران نیز یکی دیگر از بازیگران این سناریو به شمار می‌روند به شکلی که برخی از آن‌ها ندانسته به شکلی وارد بازی سیستم دلالی می‌شوند که هواداران باور می‌کنند که چنین پیشنهادهایی وجود دارد و خطر جدایی ستاره تیم مورد علاقه آن‌ها کاملاً جدی است در حالی که ماجراجویی آقای مدیر عامل دلیل تروریج این شایعه بوده تا به این ترتیب آقای مدیر یا معاونانش در این ایام در بین چهره‌های خبرساز قرار گیرند! برای مشاهده و کشف اسامی این مدیران بد نیست اظهار نظر ۱۰ روز گذشته مرتبط با رفتن یا ماندن بازیکنان را چست و چو کنید تا متوجه شوید اصل ماجرا چیست و همه اخبار بر اساس فرضیه پیدا کردن قاتل رومولی نوشته شده است!

خاطره بازی با مهدوی کیا

از قرارداد ۲ میلیونی تا گل به چین و آمریکا

ورزش: مهدی مهدوی کیا در تازه‌ترین صحبت‌هایش در خصوص وضعیت پرسپولیس در لیگ برتر و خاطره‌هایش از فوتبال ایران و پرسپولیس گفت.

در انتظار قهرمانی سرخ‌ها

پیشکسوت نامدار باشگاه پرسپولیس در مورد اینکه وضعیت پرسپولیس را در حال حاضر چطور می‌بیند تصریح کرد: به هر حال پرسپولیس چند سال خیلی خوب را با برانکو داشت و خیلی‌ها فکر می‌کردند با رفتن او پرسپولیس دچار مشکل شود اما در حال حاضر می‌بینیم که پرسپولیس با ۱۰ امتیاز برتری نسبت به رقبایش در صدر جدول ایستاده و شانس زیادی دارد که باز هم قهرمان شود. پرسپولیس بازیکنان و مربیان خیلی خوبی دارد و به نظرم باز هم باید منتظر قهرمانی پرسپولیس باشیم.

او در خصوص اظهارات برخی از رقبا مبنی بر حمایت‌های پشت پرده از پرسپولیس تصریح کرد: این حرف‌ها درست نیست. پرسپولیس چند سالی است که عملکرد خیلی خوبی داشته و خود رقبا هم این موضوع را قبول دارند.

حمایت از بیرو

مهدوی کیا در مورد حضور علیرضا بیرانوند در بین بازیکنانی که شانس بهترین بازیکن آسیا شدن را داشتند افزود: بیرانوند در این سال‌ها عملکرد خیلی خوبی داشته و برخی از زمان‌ها عکس العمل‌هایی در زمین انجام داده که کمتر کسی توان انجام آن را داشته است. بیرانوند در جام جهانی و لیگ قهرمانان آسیا هم عملکرد خیلی خوبی داشت و به نظر من حق او بود که به عنوان بهترین بازیکن آسیا انتخاب شود.

آکادمی کیا

پیشکسوت باشگاه پرسپولیس در مورد فعالیت‌های آکادمی کیا و اینکه از بین این بازیکنان کسی هم راهی پرسپولیس خواهد شد یا نه افزود: ما بازیکنان خوبی داریم که از ۱۱ سالگی زیر نظر مربیان آکادمی کار کردند و در بازی‌های مختلف بین‌المللی با تیم‌هایی مثل بارسلونا، بایرن مونیخ و... بازی کردند. همین حال چند بازیکن ما در تیم ملی نوجوانان بازی می‌کنند و به نظر من این شانس را خواهند داشت که در آینده‌ای نزدیک به پرسپولیس اضافه شوند.

قرارداد ۲ میلیونی

او درباره نخستین مبلغ قراردادش با پرسپولیس گفت: همراه با برادرم به دفتر مدیرعامل رفت باشگاه در خیابان طالقانی رفتیم. فکر می‌کنم کل مذاکرات ما پنج دقیقه بیشتر نشد. رقم قرارداده هم ۲ میلیون تومان بود که البته به صورت قسطی از پرسپولیس آن را گرفتم. من از کودکی پرسپولیسی بودم و با وجود پیشنهادهای خوبی که از تیم‌های مثل کشاورز و بهمن داشتم اما پرسپولیس را انتخاب کردم.

گل‌های چین و آمریکا

اسطوره فوتبال کشورمان در مورد اینکه بهترین گلی که زده از نظر خودش کدام گل بوده ادامه داد: در لباس تیم ملی گل‌هایی که به چین و آمریکا زدم را خیلی دوست دارم اما در لباس پرسپولیس فکر می‌کنم گلی که به الهلال در جام باشگاه‌های آسیا در لبنان زدم از همه بهتر بود.

منهای فوتبال

شهردار گرگان فدراسیون را تهدید کرد

رأی عوض نشود در لیگ حاضر نمی‌شویم

ورزش: شهردار گرگان گفت: اگر فدراسیون سکتبال رأی خود در خصوص پایان لیگ بدون معرفی قهرمان را تغییر ندهد، در لیگ حضور پیدا نمی‌کنیم. عبدالرضا دادبود در خصوص تصمیمات گرفته شده در این جلسه اظهار کرد: از روز چهارشنبه هفته گذشته نسبت به تصمیم فدراسیون مبنی بر پایان لیگ بدون معرفی قهرمان اعتراض کردیم. تیم شهرداری گرگان یک تیم مردمی است که هواداران بی‌شماری هم در شهر گرگان و هم استان گلستان دارد. امروز همه این طرفداران به تصمیم فدراسیون اعتراض دارند. وی گفت: فدراسیون اعلام کرده که رده بندی را قبول دارد، در حالی که قبول داشتن رده‌بندی بدون اعلام قهرمان یک تناقض آشکار است. شهردار گرگان بیان کرد: نتایج اعمال نشان می‌دهد که تیم شهرداری گرگان هم لیاقت قهرمانی و هم حضور در جام باشگاه‌های آسیا را دارد.

لیگ برتر تکواندو نیمه کاره نمی‌ماند

ورزش: باوجود تعطیلی برخی از لیگ‌های رشته‌های مختلف فدراسیون تکواندو قصد ندارد لیگ برتر این رشته را نیمه کاره رها کند.

با توجه به اینکه فقط سه هفته از مسابقات لیگ برتر باقی مانده و چهار تیم شانس قرار گرفتن در رده‌های اول تا سوم جدول را دارند، احتمالاً پس از مجوز ستاد مبارزه با کرونا رقابت فقط بین همین چهار تیم در یک روز پیگیری می‌شود.

تیم‌های لوازم خانگی کن و شهرداری ورامین برای قهرمانی رقابت می‌کنند و تیم‌های پاس قوامین و دلشگاه آزاد هم برای کسب عنوان سومی و آخرین سهمیه حضور در جام باشگاه‌های آسیا مسابقه خواهند داد.

تماس‌های جعلی با خارجی‌ها برای سرمربیگری والیبال ایران

ورزش: رئیس فدراسیون والیبال مدعی شد برخی افراد از داخل ایران با مربیان خارجی تماس می‌گیرند و خودشان را مسئول فدراسیون معرفی می‌کنند! محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال درباره انتخاب سرمربی جدید تیم ملی گفت: همه این مربیانی که نامشان مطرح می‌شود حاصل گمانه‌زنی رسانه‌ها و اینجا و آنجا هستند. ما تاکنون با هیچ مربی صحبت نکردیم البته مسأله‌ای برخی خودشان را نماینده فدراسیون معرفی کردند و برای برخی مربیان پیغام فرستادند. یکی از این مربیان برای من وبس فرستاده بود که از داخل کشور یک نفر باو تماس گرفته و گفته با رئیس و دبیر فدراسیون ارتباط دارد و پیشنهاد همکاری را مطرح کرده است!

دستور فیفا برای پرداخت مطالبات بازیکنان بسکتبال

ورزش: طبق اعلام رئیس فدراسیون بسکتبال که از ضرر مالی فدراسیون هم به خاطر لغو مرحله پلی آف خبر می‌دهد، باشگاه‌ها باید برای پرداخت مطالبات ما مربیان و بازیکنان به توافق برسند.

طباطبایی در این رابطه به نامه ارسالی فدراسیون جهانی بسکتبال اشاره کرد و گفت: ما در اطلاعیه مربوط به محکومه شدن لیگ، ردبندی تیم‌ها را اعلام کردیم تا باشگاه‌ها دستشان برای پرداخت حقوق بازیکنان و مربیان باز باشد. همچنین فیبا نیز نامه‌ای را به همه کشورهای عضو ارسال و در آن درخواست کرد که باشگاه‌ها با بازیکنان به تعامل برسند تا کار به کمیته انضباطی و دادگاه حکمیت ورزشی کشیده نشود.

آغاز غیرالگرگی ۵۲ ورزشکار المپیکی

ورزش: فدراسیون پزشکی ورزشی به منظور مقابله با کرونا در میان ورزشکاران المپیکی، برنامه‌ای ویژه غیرالگرگی آن‌ها را که اجرای آن از این هفته آغاز می‌شود.

این برنامه با عنوان «غیرالگرگی المپین‌ها» از طرف فدراسیون پزشکی ورزشی و با همکاری کمیته ملی المپیک ویژه ۵۲ ورزشکار که سهمیه المپیک توکیو را کسب کرده‌اند در نظر گرفته شده است. اجرای برنامه مورد نظر از هفته جاری آغاز می‌شود.

امامی: با محرومیت و جریمه نقدی پاک سازی می‌کنیم

دوپینگ سه کشتی‌گیر ایرانی مثبت اعلام شد

ورزش: ستاد مبارزه با دوپینگ ایران در نامه‌ای به فدراسیون کشتی، ضمن اعلام استفاده سه کشتی‌گیر از مواد ممنوعه، میزان محرومیت آن‌ها را نیز اعلام کرد.

این موارد مثبت اعلام شده، مربوط به مسابقات داخلی در سال ۹۸ به ویژه لیگ برتر کشتی است که در پاییز برگزار شد.

بر این اساس مرتضی قیاسی چکابه مدت ۶ ماه رسول گرمسیری به مدت یک سال و کیوان رضایی به مدت چهار سال با محرومیت روبه رو شده‌اند و شروع محرومیت نامبردگان از تاریخ ۳ اسفندماه سال ۱۳۹۸ می‌باشد.

سرمربی تپانچه: تیراندازان آماده باشند

ورزش: سرمربی تیم ملی تپانچه در مورد آغاز اردوی ملی‌پوشان در شرایط شیوع کرونا گفت: هفته گذشته برای آغاز اردوها با فدراسیون صحبت کردیم تا اردوهای اول اردیبهشت آغاز شود. تعداد اعضای تیم ملی کم است و می‌توانند با فاصله در مجموعه آزادی تمرین کنند. این شرایط همانند قرنطینه خواهد بود و فکر نمی‌کنم مشکلی پیش بیاید. قرار شد اگر کل مجموعه‌ها باز شد اردوهای ما نیز آغاز شود. منتظریم تا فدراسیون در مورد آغاز اردوها تصمیم بگیرد. اگر اردوها آغاز شود باید ورزشکاران را آماده نگه داریم که اگر فدراسیون جهانی مسابقه‌ای در نظر گرفت تیراندازان آمادگی کافی برای حضور داشته باشند.

بانوی رکوردار دوومیدانی: رشته ما فقیر است

ورزش: بانوی رکوردار دوساعته ایران در گفت‌وگو با ایسنا در مورد وضعیت دوومیدانی بانوان گفت: وضعیت خیلی خوب نیست. به طور کلی فکر می‌کنم دوومیدانی رشته فقیری است و باید خودمان هزینه کنیم.

محمد جواد آذری جهرمی

وزیر ارتباطات و فناوری در توییتی به گری هواداری میان هواداران پرسپولیس و استقلال دامن زد. محمد جواد آذری جهرمی در توییتی از قول پسرش نوشته: «سینا میگه بابا استقلال ۶ هفته است که کلین شیته، نه گل خورده نه باخته واسه همین استقلالی‌ها خیلی خوشحالند.» این توییت که به شکلی واضح از استقلال را به سخره گرفته نشانگر پرسپولیسی بودن وزیر است و سبب واکنش تند هواداران استقلال به او شده است.

دنیل جیمز

ستاره جوان ولری باشگاه منچستریونایتد با استفاده از تشابهی که میان شادی گل او با کلاهگی این روزها دارد، از انگیزه‌های بالای خود برای بازگشت به میادین خبر داد. دنیل جیمز در پستی اینستاگرامی عکسی از نخستین گل خود برای منچستریونایتد در هفته اول لیگ برتر این فصل مقابل چلسی منتشر کرد داشت. و در توضیح آن نوشته که می‌صیرانه منتظر آغاز دوباره مسابقات فوتبال است. جالب اینجاست که هم تیمی‌های او نیز زیر این پست کامنت گذاشتند و از دلتنگی‌های خود گفتند.

کریستیانو رونالدو

فوق ستاره پرتغالی باشگاه یوونتوس ایتالیا، در دوران قرنطینه این فرصت را پیدا کرده تا قسمتی از خوشحالی پس از گل معروفش را با پسرش تمرین کند!

کریستیانو رونالدو در توییتی نوشت: هدلیو برای پسرم، خانواده و دوستانم تنگ شده اما این هفته تمهیداتی دارم که باید اجرا کنم و می‌دانم که خدا در کنار همه هستیم چون ۳۰ میلیون باشرف و باعرفت هم هستند در کنارم اگر هم همه تک داشتن به اینکه چقدر می‌توانی جلو بروی و موفق بشی این قدر به راحت ادامه بده و ازشون فاصله بگیر که میدانشون بهت نرسه.»

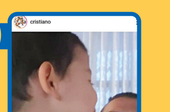

مدیرعامل آبی‌ها

مدیرعامل باشگاه استقلال تهران در پستی اینستاگرامی از روزهای دلتنگی خود برای شهرش می‌گوید. احمد سعادتمند مدیرعامل بوشهری استقلال در پست خود نوشته: «دلم برای شهرم، خانواده‌ام و دوستانم تنگ شده اما این هفته تمهیداتی دارم که باید اجرا کنم و می‌دانم که خدا در کنارم هست همیشه چون ۳۰ میلیون باشرف و باعرفت هم هستند در کنارم اگر هم همه تک داشتن به اینکه چقدر می‌توانی جلو بروی و موفق بشی این قدر به راحت ادامه بده و ازشون فاصله بگیر که میدانشون بهت نرسه.»

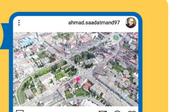

پس از موفقیت استقلال با استراماچونی تلاش دشمنان شروع شد

حسینی: رحمتی الگوی من بود

ورزش: سید حسین حسینی در گفت‌وگو با بخش رسانه‌ای باشگاه استقلال با اشاره به پیوستنش به استقلال در سال‌های گذشته تصریح کرد: از بدو شیراز به استقلال آمدم و وقتی دروازه‌بان سوم بودم کسی من را قبول نداشت اما از روزی که برای استقلال بود، خیلی سختی تحمل کردم و به دروازه استقلال رسیدم. سال اول بازی نکردم اما سال دوم دو مرتبه به میدان رفتم و سپس راهی خدمت شدم. از رفتن به خدمت سربازی راضی هستم، چون اکنون شرایط سخت شده است. همه فکر من بازگشت به استقلال بود و خدا را شکر به تیم برگشتم.

باید تصمیمی گرفت که به نفع همه باشد

وی در مورد لغو یا ادامه برگزاری مسابقات لیگ افزود: فکر می‌کنم ادامه لیگ سخت باشد.

اولویت همه سلامتی مردم است و باید تصمیمی گرفت که به نفع همه باشد. به لیگ‌های خارجی نیز می‌توان به تصمیم‌گیری نگاه کرد.

رفتن استرا

دروازه‌بان تیم فوتبال استقلال تصریح کرد: سال سختی را سپری کردیم و تغییرات زیادی داشتیم. اعتماد به نفس بازیکنان کاهش پیدا کرده بود اما با تمرینات استراماچونی به صدر جدول رسیدیم. تلاش دشمنان برای پایین کشیدن تیم شروع شد. سرمربی علاقه داشت بماند و به بزرگان تیم گفت که می‌خواهد بماند اما در نهایت رفت.

قبل از بازی پیکان بازیکنان بغض داشتند و ما در ادامه امتیاز از دست دادیم. تهدید را نه ضربه زدن به تیم رفتن بود.

حسینی ادامه داد: باشگاه استقلال نباید برای پول کارگران زمین مشکل داشته باشد. ما برای گرم کردن فضای رختکن هم مشکل داش

گفت‌وگو با مهدی فرجی، تهیه‌کننده سریال «نون.خ»

پرداختن به قومیت‌های ایرانی، وظیفه فرهنگی ماست

سیما و سینما/ زهره کهندل | این شب‌ها مردم تماشاگر سریال کمدی «نون.خ ۲» از شبکه یک سیما هستند. مجموعه‌ای که داستانی اجتماعی و آمیخته با طنز دارد. نام سریال از ابتدای نام شخصیت اصلی سریال نورالدین خانزاده با ایفای نقش سعید آقاخانی گرفته شده که کارگردانی کار را هم برعهده دارد. فصل اول سریال داستان نورالدین خانزاده را تعریف می‌کرد که صاحب یک کارگاه فرآوری تخمه آفتابگردان بود و به علت بدهکاری درگیر ماجراهایی می‌شود. پس از این نوبت به ادامه داستان در فصل دوم رسید، مجموعه‌ای که در نیمه راه قرار دارد و علاوه بر قصه اصلی قصه‌های دیگری هم دارد. در این سری از همان ابتدا مشخص می‌شود که بدهی نورالدین تا حدی با فروش خانه مادرزنش صاف شده ولی باز هم این ماجرا در کنار قصه‌های جدید ادامه دارد و بخشی از ماجرا به زلزله کرمانشاه گره می‌خورد که موقعیت‌های طنزی را در شرایط سخت به نمایش می‌گذارد. یکی از تفاوت‌های فصل دوم سریال در انتخاب لوکیشن‌ها و اتفاقاتی است که قرار است در این فصل بیشتر در کرمانشاه بگذرد، چرا که در فصل اول بخش زیادی از قصه در تهران روایت می‌شد و در بین آن گریزهایی هم به کرمانشاه زده می‌شد، اما در این فصل حال و هوای بومی کار پررنگ‌تر شده است. بار موقعیت‌های طنز هم در فصل دوم سریال سنگین‌تر شده و جان گرفته است. در فصل اول بسیاری از ماجراها در قالب زندگی روزمره و فضایی ملموس رخ می‌داد، اما در این سری شاهد اتفاقات تازه‌ای مثل سکانس کوه و حمله خرس بودیم. گویی فصل دوم «نون.خ» قرار است بار طنز متفاوت‌تری نسبت به قبل داشته باشد. البته در این بین شکل‌گیری شخصیت‌ها و جاافتادن هر کدام از آن‌ها در نقشی که دارند موجب شده همه‌چیز با پختگی و نمک بیشتری پیش برود. این سریال قرار بود در ۲۵ قسمت ساخته و در ماه مبارک رمضان پخش شود ولی با توجه به گسترش ویروس کرونا و ضرورت حفظ سلامت بازیگران و عوامل سریال تصمیم گرفته شد تا تصویربرداری و تولید آن پیش از نوروز به اتمام برسد و اکنون در ۱۷ قسمت و تا ابتدای ماه مبارک رمضان میهمان خانه‌های مردم است تا در روزهای خانه‌نشینی لبخند را روی لبان تماشاگران تلویزیون بنشاند. درباره روند ساخت این مجموعه تلویزیونی با مهدی فرجی، تهیه‌کننده سریال گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

◆ یکی از سیاست‌های جدید تلویزیون توجه به اقلیم‌ها و قومیت‌های مختلف ایران است. آیا ساخت سریال «نون. خ» هم در راستای همین سیاست در مناطق کردنشین ایران ساخته شد؟

همین‌طور است، این سریال در مناطق کردنشین ایران همچون کردستان، کرمانشاه و آذربایجان‌غربی ساخته شده و به فرهنگ مردمان این مناطق توجه داشته که شامل گویش، موسیقی، آیین و سنن آن‌ها می‌شود. همچنین به تصویر کشیدن جذابیت‌های مناطق جغرافیایی و دیدنی نیز از اهدافی است که در این سریال دنبال می‌شود.

◆ یکی از دلایلی که قومیت کرد و منطقه کردنشین ایران برای ساخت این سریال انتخاب شدند، به خاطر قومیت کارگردان سریال، سعید آقاخانی بود؟

این موضوع هم بی‌تأثیر نبود. به هر حال ایشان اشراف خوبی به آن منطقه دارند و خودشان هم کرد هستند و هرگز از این فرهنگ جدا نشدند. روز اولی که خواستیم با ایشان برای ساخت سریال صحبت کنیم گفتند به شرطی این کار را انجام می‌دهم که به یکی از اقوام ایرانی و فرهنگشان بپردازیم تا برای مردم جذابیت داشته باشد و وظیفه فرهنگی خودمان را هم انجام داده باشیم. این اتفاق در سریال پایتخت و معرفی مردم و منطقه مازندران رخ داده بود که موفقیت‌هایش را شاهد بودیم. سعید آقاخانی هم به فرهنگ و قومیت کرد اشراف داشت به همین دلیل این قومیت و فرهنگ انتخاب شد.

◆ منطقه و لوکیشن غرب کشور هم برای ساخت سریال بسیار پرچالش است. از سختی‌های کار در این منطقه بگویید؟

ما کار را در سخت‌ترین شرایط آب‌وهوایی شروع کردیم. ساخت سریال از آذرماه کلید خورد و تا اوایل بهمن ماه در روستایی در ۸۰ کیلومتری کرمانشاه و بخشی از مناطق دیگر همچون منطقه پالنگان در کردستان ادامه یافت. بعضی از روزها که کار می‌کردیم هوا ۲۳ درجه زیر صفر بود و بازیگران در این هوای سرد و یخبندان باید در آب می‌رفتند. چالش‌های سخت و دشواری را در فیلمبرداری داشتیم، همچون بارندگی و برف شدید. البته سعی کردیم که از این فضا به نفع جذابیت کار استفاده کنیم. خوشبختانه یکی از امتیازات کار این بود که تیم سازنده بسیار خوب و همراه بودند، از کارگردان گرفته تا بچه‌های پشت‌صحنه، گروه‌های صدا، طراحی لباس، طراحی صحنه، گریم و بازیگران بسیار خوبی که داشتیم، همه اعضای تیم بسیار همراه و همدل بودند و کار بدون چالش به پایان رسید.

برش

روز اولی که خواستیم با سعید آقاخانی برای ساخت سریال صحبت کنیم گفتند به شرطی این کار را انجام می‌دهم که به یکی از اقوام ایرانی و فرهنگشان بپردازیم تا برای مردم جذابیت داشته باشد و وظیفه فرهنگی خودمان را هم انجام داده باشیم. ایشان هم به فرهنگ و قومیت کرد اشراف داشت به همین دلیل این قومیت و فرهنگ انتخاب شد

◆ یکی از امتیازات این سریال استفاده از بازیگران بومی است. این انتخاب به دلیل لهجه و آشنایی آن‌ها به فرهنگ آن منطقه بود؟

بله، اهالی منطقه روی لهجه حساس هستند و تأکید داشتیم که لهجه شخصیت‌های سریال فیک نباشند، چون فیک بودن لهجه می‌توانست آزاردهنده باشد و نارضایتی مردم را در پی داشته باشد به همین دلیل تلاش کردیم از بازیگران بومی استفاده کنیم. خوشبختانه این بازیگران توانایی و قدرت نقش‌آفرینی بالایی داشتند و یکی از نقاط قوت سریال «نون.خ» این است که از بازیگران بومی توانمند استفاده کرده است. حضور آن‌ها قطعاً به جذابیت مجموعه اضافه می‌کند.

◆ در مورد ساخت سریال‌های قومیتی این حساسیت وجود دارد که ممکن است برخی شوخی‌ها موجب اعتراض یا واکنش مردم آن منطقه شود. شما چه کردید سریال «نون.خ» از این ماجرا مصون بماند؟ نگران برخی شوخی‌ها در سریال نبودید؟

خوشبختانه ما تاکنون با اعتراض جدی مواجه نشدیم. فصل اول سریال را سال گذشته روی آنتن برده بودیم و بیننده با این قصه و شخصیت‌ها آشنایی داشت، بنابراین قصه جدیدی نبود که بیننده برای بار اول و به صورت دفعی و ناگهانی با آن مواجه شود. ضمن اینکه کارگردان سریال کُرد است و اکثر بازیگران از این فرهنگ و آشنا به آن هستند. بیش از ۲۰ نفر از بازیگران ما کرد هستند، به این فرهنگ اشراف دارند و حساسیت‌ها را می‌شناسند. حضور آن‌ها کمک کرد تا بتوانیم با شرایط بهتر و مطمئن‌تری سریال را تولید کنیم. خوشبختانه همه عوامل نسبت به فرهنگ آن منطقه و مردمانش آشنایی داشتند، ضمن اینکه از مشاورینی هم برخوردار بودیم که ما را درباره حساسیت‌ها راهنمایی می‌کردند، به همین دلیل مسئله نگران‌کننده‌ای وجود نداشت و توانستیم با اطمینان بیشتری سریال را بسازیم.

◆ با توجه به شوخی‌های سیاسی و صنفی که به صورت غیرمستقیم در کار وجود داشت، نگران سانسور شدن بخشی از آن‌ها نبودید؟

به هر حال در کار کمدی با بخشی از فضاهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شوخی می‌شود و امری مرسوم است، بنابراین خیلی کار عجیبی نکردیم. شوخی‌هایی که در کار وجود دارد برای مردم ناآشنا و نامأنوس نبود و قبلاً در جاهای دیگر شنیده بودند به همین دلیل جای نگرانی نداشت و تلویزیون با سعه‌صدر با موضوع برخورد کرد. در چند سال اخیر مدیران تلویزیون هم نسبت به ساخت سریال‌های طنز سعه‌صدر بیشتری از خودشان نشان داده‌اند و این موقعیت را برای فیلم‌سازان فراهم کرده که بتوانند موضوعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را دستمایه ساخت فیلم و سریال قرار دهند.

◆ بخش‌های پایانی سریال در شرایط شیوع کرونا ساخته شد، با توجه به اینکه سریال پربازیگر بود و باید به پخش روی آنتن می‌رسید با چه دشواری‌هایی روبه‌رو شدید؟

شرایط کرونا خیلی سخت و پرچالش بود. بیش از یک ماه از فیلم‌برداری کار را در شرایط کرونایی انجام دادیم. این در حالی است که در برخی از سکانس‌ها حدود ۵۰ نفر بازیگر داشتیم و اساساً سریال شلوغی بود. اینکه عوامل سازنده و بازیگران را بیش از یک ماه در شرایط بهداشتی و با ایمنی بالا به کار بگیریم، بسیار سخت بود، ولی همه عوامل همراهی کردند و شرایط بهداشتی و ایمنی رعایت شد و خوشبختانه آسیبی از این جهت ندیدیم. با وجود اینکه دلهره و اضطراب در بین اعضای گروه وجود داشت، ولی موجب نشد که همکاری نکنند و خوشبختانه توانستیم سریال را به پخش برسانیم.

خبر

شورای‌عالی تهیه‌کنندگان تأکید کرد

سینما چاره‌ای جز «آنلاین» شدن ندارد

سیما و سینما: شورای‌عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران در پی نمایش اولین فیلم به صورت آنلاین اطلاعیه‌ای صادر کرد.

در این اطلاعیه آمده است: معتقدیم سینمای ایران در شرایطی که ویروس کرونا تحمیل کرده، چاره‌ای جز آنلاین شدن ندارد. این چرخش همزمان با نمایش در سالن‌های سینما به مسیر نمایش در فضای‌مجازی در قالب «وی او دی» یک چرخش تمدنی است که پیش از این در کشورهای پیشرفته به طور موفق تجربه شده و حالا با زیرساخت‌های اینترنتی موجود، امکان تحقق آن در کشورمان وجود دارد. متولیان دولتی سینما باید در این بزنگاه تاریخی دوره کرونایی را مغتنم دانسته و سینمای ایران را در این چالش جدید از رکود به بالندگی و رونق اقتصادی برسانند. این یک توفیق اجباری است که پیش از این به دلیل نبود عزم‌جزم مسئولان، اعتمادبه نفس دست‌اندرکاران و به خطرافتادن منافع گروهی اندک، امکان تحققش کم بود، اما حالا با به کار گرفتن قدرت تخریبی هر کولی به نام کرونا، می‌شود کاری کرد کارستان! نمایش فیلم سینمایی «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در «سینماآنلاین» بدون آنکه هنوز رنگ سالن‌های سینما را دیده باشد، ثابت کرد که کار «نشد» ندارد. فقط کافی است متولیان امور فرصتی را فراهم کنند که کل ظرفیت «وی او دی» کشور به خدمت گرفته شود و از طرف دیگر جلوگیری از دانلود غیرقانونی به طور بسیار جدی در دستور کار قرار گیرد یا اگر امکان فنی آن فراهم نیست، از نظر اقتصادی ساز و کاری را تدارک ببینند که عملاً استفاده از مال دزدی و قاچاق برای سوءاستفاده‌کنندگان مقرون به‌صرفه نباشد. در این میان کم‌کاری سازمان صداوسیما در تبلیغ «سینماآنلاین» غیرقابل اغماض است. واضح است که این سازمان نباید این نوع نمایش را رقیب خود بداند، بلکه باید چون گذشته با همراهی و مساعدت خود از طریق تبلیغات گسترده، به ایجاد فرهنگ فیلم دیدن قانونی، مردم را در گذر به این دوره جدید تمدنی، مشایعت کند. در چنین حالتی، شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما اطمینان دارد تماشاگران سینمای ایران در حمایت از سینمای محبوب و نجیبشان پای کارند و این سینما را حتی در سخت‌ترین شرایط تنها نمی‌گذارند.

ما معتقدیم با استحکام سینماآنلاین، تولیدات سینمایی در دوران پساکرونا رونق خواهد گرفت و از این رونق سالن‌های سینما نیز به موازات صنعت «وی او دی» بهره‌ها خواهند برد و مگر نه اینکه به فرموده رهبر انقلاب سال ۱۳۹۹ باید سال «جهش تولید» باشد.

۴هزار و ۷۰۰ دانلود فیلم مستند در قرنطینه خانگی

سیما و سینما: در تعطیلات نوروز ۹۹ و برای تماشای فیلم‌های مستند، بیش از ۴هزار و ۷۰۰ مراجعه به دو شبکه نمایش درخواستی صورت گرفته است. به نقل از روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، در ایام نوروز سال ۹۹ و با توجه به شیوع بیماری کرونا و موضوع قرنطینه خانگی، مخاطبان به تماشای آثار مستند در شبکه‌های نمایش درخواستی چون «هاشور»، «سینمامارکت» و «فیلیمو» نشستند. طبق آمار دریافت شده از «سینمامارکت» در این مدت علاقه‌مندان یک‌هزار و ۲۹۲ بار فیلم‌های مستند بارگذاری شده در این شبکه را دانلود و تماشا کردند. در «فیلیمو» نیز مخاطبان ۳هزار و ۴۸۰ مرتبه برای دانلود آثار مستند به این VOD مراجعه کرده و به تماشای این فیلم‌ها نشستند.

مجری ویژه‌برنامه افطار شبکه سه مشخص شد

باشگاه خبرنگاران جوان: مجری «مثل ماه» ویژه‌برنامه افطار شبکه سه که قرار است در شب‌های ماه مبارک رمضان روی آنتن برود، مشخص شد.

گروه‌اجتماعی شبکه سه ویژه‌برنامه «مثل‌ماه» را با اجرای رسالت بوذری در ماه رمضان روی آنتن می‌برد. پیش از این برنامه «ماه‌عسل» با سابقه ۱۲ سال جزو پرمخاطب‌ترین برنامه این شبکه در ماه رمضان بود. این برنامه به مسائل اجتماعی و دینی می‌پردازد و میهمانان از شهرهای مختلف حضور پیدا خواهند کرد و از زندگی و اتفاقات خاص خود صحبت می‌کنند. این برنامه به تهیه‌کنندگی هادی آشتیانی و کارگردانی پیام ابراهیم‌پور ساعت ۱۹ از شبکه سه‌سیما پخش خواهد شد.

گزارش

نگاهی به تأثیر ویژگی‌های بومی بر موفقیت سریال «نون.خ»

کارگردان باید اهل اثرش باشد

سیما و سینما: «نون. خ» سریال موفق این روزهای تلویزیون در حالی توانسته رضایت مخاطبان را جلب کند که در استان کرمانشاه و با لهجه ساخته شده است. موفقیتی که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان آسان به دست نیامده و ریشه اصلی آن در کرد بودن کارگردان اثر و آشنایی کاملش با اقلیم و مردمی است که به سراغشان رفته است.

با نگاهی به کارنامه سینما و تلویزیون متوجه می‌شویم هیچ‌گاه ساختن اثری در شهرستان‌ها و همچنین پرداختن به زبان‌ها و قومیت‌های مختلف کشورمان بی‌دردسر نبوده و در این سال‌ها بوده‌اند سریال‌هایی که با اعتراض مخاطبان کارشان حتی به توقف پخش کشیده است. می‌دانیم که صدا و سیما یک رسانه ملی است و باید نگاه یکسانی به همه اقوام داشته باشد، اما حاشیه‌های پیش‌آمده برای سریال‌هایی که به اقوام و بوم‌های مختلف توجه داشته‌اند همواره به عنوان یکی از موانع ساخت سریال‌های بومی ذکر شده‌اند. با این وجود تجربه موفق سریال «نون .خ» نشان داد که می‌توان به سراغ قومیت‌ها رفت و با رضایت کار را به اتمام رساند.

در این سریال لهجه نه‌تنها آزاردهنده نیست بلکه با در نظر گرفتن ظرافت‌هایی برای مخاطبان غیرکرد هم جذاب و شنیدنی از کار درآمده است. در کنار لهجه دقت در طراحی لباس بازیگران و همچنین استفاده از بازیگران بومی (بازیگران سریال همگی از بازیگران حرفه‌ای تئاتر و سیمای استانی کردستان، کرمانشاه و ایلام هستند) و توجه به موسیقی کردی و بهره‌گیری از آن به قابلیت‌های مجموعه افزوده است. تمام نکات مثبت سریال شاید به این دلیل است که سعید آقاخانی به عنوان بازیگر اصلی و کارگردان سریال چون خود کُرد است با اشراف کامل بر فرهنگ و جامعه کردستان از هر گونه لغزش و سهل‌انگاری پرهیز کرده و با حساسیت و موشکافی کارش را به انجام رسانده و به تعبیری در مقابل سختی‌های انجام چنین پروژه‌ای کوتاه نیامده است. سازندگان سریال «نون. خ» نشان دادند که می‌توان سریالی با محوریت یک قوم دیگر ایرانی ساخت که نه‌تنها هیچ مشکلی به وجود نیاورد بلکه حتی موجب جذابیت و توجه بیشتر به این منطقه از ایران هم شد و این اتفاق فرخنده‌ای است.

لهجه‌هایی که دوست‌داشتنی بودند

در سال‌های گذشته تیپ‌های مختلفی در سریال‌های تلویزیونی با لهجه‌های متفاوت خلق شده‌اند که نه‌تنها با اعتراضی روبه‌رو نبودند که مورد استقبال هم قرار گرفتند. تقریباً تمام تیپ‌هایی که اکبر عبدی در سینما و تلویزیون با لهجه آذری، خراسانی و... بازی کرده را می‌توان در این دسته قرار داد. برای مثال شخصیت «حسام‌بیک» در «روزی‌روزگاری» (با بازی محمود پاک‌نیت) و تمام بازیگران «قصه‌های مجید» (از جمله مجید باقربیگی و جهانبخش سلطانی) حمیدرضا آذرنگ سریال‌های «یلدا» و «شاهگوش» به لهجه‌های آذری، کرمانشاهی، عربی، زابلی، محلی‌بختیاری، اصفهانی و بسطامی (استان سمنان) و ... حرف می‌زدند از لهجه برای بیشتر و بهتر درآمدن نقششان استفاده کردند و ضمن رسیدن به خواسته‌شان هیچ‌گاه اعتراضی به آن‌ها نشد. جدا از توانمندی‌ها و همچنین محبوبیت برخی از این بازیگران در بین مردم، به نظر می‌رسد در برخی موارد مانند سریال ماندگار «روزی‌روزگاری» و همچنین «قصه‌های مجید» بومی‌بودن کارگردان نقش بسزایی در نتیجه کار داشته است .

امرالله احمدجو سریال «روزی‌روزگاری » را در میمه زادگاهش ساخته است. خود او درباره داستان این اثر گفته است: «داستان مجموعه «روزی‌روزگاری» را خودم نوشتم. می‌توان گفت سراسر خیالی است و نظم نهایی و آراستگی و پرداختش کاملاً خیالی است. منتها برگرفته از دانسته‌هایی است که شخصاً تجربه کردم به خصوص زندگی ایلیاتی‌ها و کارهای کشاورزی که می‌کردند. از وقتی هم که می‌توانستم جنب وجوشی داشته باشم در تمام کارهای کشاورزی کمک حال پدر بودم. بسیاری از کارهایی که در سریال اتفاق افتاد را تجربه کرده بودم». بدون شک نقش این تجربه را نمی‌توان در ماندگاری این اثر نادیده گرفت و می‌توان گفت هرچند داستان اثر خیالی است، اما کارگردان از اهالی و متعلق به بوم اثرش بوده است.

همان‌طور که اصفهانی‌بودن پوراحمد موجب شکل‌گیری دو شخصیت ماندگار سریال‌های تلویزیونی ایران یعنی «مجید» و «بی‌بی» است. قصه‌های مجید در محیط کرمان نوشته شده و روایتگر لحظه‌های کودکی به نام مجید است که با مادربزرگش (بی‌بی) زندگی می‌کند. کیومرث پوراحمد این داستان را به زادگاه خودش انتقال داد و حال پس از سال‌ها به نظر می‌رسد کاری بسیار هوشمندانه انجام داده است. با گذشت سال‌ها از ساخت این سریال می‌توان گفت که هنوز ملموس‌ترین نوجوان ایرانی و دوست‌داشتنی‌ترین مادربزرگ ایرانی متعلق به سریال «قصه‌های مجید» است. درست است که داستان هوشنگ مرادی‌کرمانی پایه و اساس اصلی این مجموعه است، اما به گفته کارشناسان با نگاهی به کتاب زندگی‌نامه کیومرث پوراحمد «کودکی نیمه‌تمام» درمی‌یابیم که سرگذشت او و مجید، چقدر شبیه هم بوده‌اند و این همان نکته‌ای است که کار پوراحمد را در این سریال، این‌قدر پذیرفتنی و آشنا کرده، زیرا در این روابط آشنای ایرانی زندگی کرده است و پیوند قوی‌اش با زادگاهش موجب شده روح و هویت آن در سریال هم دمیده شود. بومی‌بودن گروه تولید این اثر نکته‌ای است که بارها به عنوان عامل اصلی موفقیت این اثر عنوان شده و موجب ساخت مجموعه‌ای زنده و جاندار شده است.

این نکته می‌تواند برای مدیران صداوسیما و همچنین سازندگان آثار قابل‌تأمل باشد. چه بهتر از اینکه سازندگان یک اثر در شهر و دیار خودشان سریال یا فیلم بسازند.

آگهی تغییرات شرکت پدیده طوس نوین ایرانیان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۶۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۵۸۴۴۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸,۱۰,۱۸ بنا به تفویض اختیار حاصله از مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸,۱۰,۱۷ مبنی بر افزایش سرمایه با عنایت به اظهارنامه تنظیمی و گواهی شماره ۳۳۵۴,۱۵۴ مورخ ۱۳۹۸,۱۰,۱۸ بانک صادرات شعبه انتهای نخریسی مشهد مبنی بر واریز مبلغ هشتصد میلیون ریال به حساب سپرده ،هیئت مدیره شرکت افزایش مزبور را عملی دانسته در نتیجه ماده ۵ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح می گردد : ماده ۵ اصلاحی : سرمایه شرکت مبلغ یک میلیارد ریال منقسم به صد سهم ده میلیون ریالی با نام می باشد که تماماً پرداخت گردیده است .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۲۳۵)

۴۹۹۰۰۰۵۴

آگهی تغییرات شرکت آب و صنعت آرینا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۴۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۴۷۶۱۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸,۱۲,۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - اعضاء هیئت مدیره برای مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای مهدی اردکانیان به شماره ملی ۰۹۴۰۵۱۰۲۹۴ و آقای نوید اردکانیان به شماره ملی ۰۹۲۱۵۷۱۳۱۳ و خانم فریبا حق پناه باجگیران به شماره ملی ۲ ۰۷۷۹۴۶۱۹۹۱- آقای معین نکوزاد فرهادگرد به شماره ملی ۰۹۲۳۳۷۵۱۲۰ به عنوان بازرس اصلی و خانم بی بی فاطمه جلالی موسوی به شماره ملی ۰۹۳۴۴۷۶۱۷۹ به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۳۱۹)

۴۹۹۰۰۰۶۰

آگهی تغییرات شرکت منحله در حال تصفیه بازرگانی قدس رضوی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۵۷۵ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۱۴۰۹۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷,۰۹,۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - سازمان بازرسی، حسابرسی و خدمات مدیریت آستان قدس رضوی برای مدت یک سال به عنوان ناظر تصفیه تعیین گردید. - آقای حمید اخوان به عنوان مدیر تصفیه برای مدت یک سال انتخاب شد.
- روزنامه قدس به‌عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۳۴۰)

۴۹۹۰۰۰۶۲

آگهی تغییرات شرکت آب و صنعت آرینا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۴۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۴۷۶۱۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸,۱۲,۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - تعداد اعضای هیئت مدیره از ۴ نفر به ۳ نفر کاهش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۳۳۱)

۴۹۹۰۰۰۶۱

آگهی تغییرات شرکت فرهنگی ورزشی آستان قدس رضوی موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۶۱۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۸۳۸۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸,۰۹,۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : موسسه حسابرسی مفید راهبر با شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۶۵۳۱ بعنوان بازرس قانونی برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید . صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۷,۱۲,۲۹ به تصویب رسید . روزنامه قدس بعنوان روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های موسسه تعیین گردید

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۲۷۷)

۴۹۹۰۰۰۵۶

آگهی انحلال شرکت پارسا گستر شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۱۵۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۶۶۵۷۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸,۱۲,۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - شرکت مذکور در تاریخ فوق منحل اعلام گردید و آقای محمدصادق منصوری به سمت مدیر تصفیه شرکت برای مدت دو سال انتخاب گردید. نشانی محل تصفیه مشهد- بین وکیل آباد ۲۵و۲۷- پلاک ۵۶۵ می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۲۴۲)

۴۹۹۰۰۰۵۵

آگهی تغییرات شرکت گروه صنعتی اترک شیمی شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۸۵۸ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۱۸۹۵۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸,۱۲,۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱-موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رایمند امین به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۶۳۵۹۵ به سمت بازرس اصلی و آقای مهرداد گلمکانی به عنوان بازرس علی البدل جهت سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۸ انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۲۰۸)

۴۹۹۰۰۰۵۳

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی تجارت سازان آویژه آریا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۵۲۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۴۱۵۶۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸,۱۲,۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - محل شرکت به آدرس استان خراسان رضوی شهرستان مشهد محله سرافرازان خیابان شهید فکوری ۷۶ (شهید حق شناس ۲) خیابان شهید حق شناس دلاوران ۷ پلاک ۰ ساختمان سازمان همیاری شهرداریها کدپستی ۹۱۷۷۹۶۵۶۷۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۱۶۳۰۲)

۴۹۹۰۰۰۵۸